

فصلنامه اقتصاد و الگوسازی
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۹۷
Quarterly Journal of Economics and Modelling
Shahid Beheshti University

تأثیر اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران

صاحبه محمدیان منصور*، محمد جعفری**، نادر مهرگان***

تاریخ پذیرش

۱۳۹۷/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت

۱۳۹۷/۰۲/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های ترکیبی استان‌های ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۵، به بررسی تأثیر اندازه دولت (سهام مخارج مصرفی و عمرانی دولت از تولید ناخالص داخلی) بر سرمایه اجتماعی پرداخته است. در این راستا، بر اساس رهیافت پاتنام و کلمن برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور، سه سطح مشارکت، اعتماد و انسجام در نظر گرفته و به منظور ترکیب شاخص‌های مورد استفاده در این سطوح، از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. برآورد الگوها نیز با استفاده از تحلیل‌های هم‌جمعی ترکیبی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که سهم مخارج مصرفی و عمرانی دولت از GDP و مجموع این دو سهم، اثر منفی و معناداری بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران داشته است. بنابراین، یکی از راه‌های تقویت سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور، اصلاح فعالیت‌های دولت است.

کلیدواژه‌ها: اندازه دولت، سرمایه اجتماعی، مخارج مصرفی دولت، مخارج عمرانی دولت، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته.

طبقه‌بندی JEL: C23, H50, H1

* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه لرستان

mohamadian106@yahoo.com

** دانشیار گروه اقتصاد بازرگانی دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه لرستان، (نویسنده مسئول)

Jafari.moh@lu.ac.ir

*** استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا mehregannadr@basu.ac.ir

۱. مقدمه

در یک نظام اجتماعی، تقابل میان کنش‌گران، پایه و اساس نظام به شمار می‌رود. بر مبنای کنش‌های هدفمند، این تقابل در راستای تامین اهداف نهایی کنش‌گران است. تقابل در مبادلات دائمی کالا و خدمات بین افراد و گروه‌ها در هر شکل ساده‌ای از یک جامعه دیده می‌شود و این، جامعه را از یک طرف در تولید هنجارهای مشترک، هویت مشترک، اعتماد و اطمینان و از طرف دیگر روابط اقتصادی قوی با یکدیگر متحد می‌سازد (اسوندسن و اسوندسن^۱، ۲۰۰۰). منظور از سرمایه اجتماعی انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات بین مردم و نهادهایی است که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعیین می‌شوند.

سرمایه اجتماعی حامل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های مدیریتی جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی و معاملاتی واحدهای اقتصادی شود. امروزه سرمایه اجتماعی نقشی مهم‌تر از سایر ابعاد سرمایه در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام‌بخش میان انسان‌ها و سازمان‌هاست. از این‌رو در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی دستیابی به اهداف توسعه‌ای مشکل خواهد بود (یانسی و چاکران^۲، ۲۰۱۷). از این‌رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند به گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک کرده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع شود. بر این اساس در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان علوم مختلف بر تأثیرپذیری این نوع از سرمایه از متغیرهای مختلف جلب شده است. این امر ضمن امکان‌سازی در جهت شناسایی فاکتورهای موثر بر

1. Svendsen and Svendsen
2. Younsi and Chakroun

سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه را در جهت بسترسازی افزایش سرمایه اجتماعی به ویژه در جوامع در حال توسعه فراهم آورد.

در ایران که دارای منابع غنی طبیعی است، دولت تنها نهادی است که می‌تواند مدیریت آن منابع را برعهده بگیرد. در این صورت، یکی از وظایف مهم دولت، مدیریت منابع طبیعی و توزیع منافع آنهاست. اما نکته اینجاست که ماهیت این وظیفه با ماهیت وظایف دولت-های فاقد این منابع، متفاوت است. بدین معنی که انجام وظایف برای سایر دولت‌ها با هزینه همراه است و دولت برای انجام آنها باید از منابع دیگری همچون مالیات، منابع مالی لازم را فراهم آورد. اما در کشوری چون ایران با منابع طبیعی فراوان، این منابع موجب پیدایش امکانات مالی تازه‌ای برای دولت می‌شود و این همان نقطه آغاز تخریب دولت است؛ چراکه دولت به تدریج نقش تاریخی و اولویت وظایف حاکمیتی خود را فراموش می‌کند. بدین ترتیب، با وجود منابع طبیعی سرشار در کشورهای فاقد استحکام نهادی و دارای ساختار رانتهی، دولت تنها به یک توزیع‌کننده رانت حاصل از منابع طبیعی تبدیل می‌شود. در این صورت، دولت به منبعی از منافع تبدیل می‌شود که گروه‌های اجتماعی و شهروندان، در رقابت برای تصاحب سهم بیشتری از منافع می‌کوشند تا به مقامات دولتی نزدیک شوند و همین موضوع، زمینه فساد مقامات و آلودگی نظام اداری دولت را فراهم می‌آورد و نهایتاً، نظام اداری آلوده و فاسد، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی شهروندان به دولت را فراهم می‌آورد و این نیز به کاهش سطح اعتماد عمومی و کاهش سطح سرمایه اجتماعی در جامعه می‌انجامد (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

ادبیات مربوط به مدیریت منابع انسانی در بخش‌های دولتی، روزبه‌روز در حال افزایش است (برک و همکاران^۱، ۲۰۱۰). با این وجود، تجزیه و تحلیل‌های اندکی در مورد اثرات اندازه سازمان‌های دولتی بر هنجارهای همکاری، اعتماد و تعهد در میان کارمندان دولتی،

1. Burke et al.

صورت گرفته است (پیل و لینا^۱، ۲۰۰۹، تانتاردینی و کارول^۲، ۲۰۱۵). به ویژه اینکه، در مورد تأثیر اندازه و ساختار دولت بر قدرت سرمایه اجتماعی که توانایی متحول سازی سازمان‌ها را دارد، آگاهی اندکی وجود دارد. درحقیقت، تعداد اندکی از مطالعات قبلی انجام شده در بخش‌های خصوصی و دولتی به تعیین‌کننده‌های سرمایه اجتماعی پرداخته-اند (پین و همکاران^۳، ۲۰۱۱). اگرچه تاکنون در مطالعات بسیاری به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در کیفیت و اندازه دولت پرداخته شده است (انگلهارت^۴، ۱۹۹۷؛ کاساکت^۵، ۱۹۹۹؛ لویز^۶، ۲۰۰۳؛ جانکاسکاس و سپوتینی^۷، ۲۰۰۷، میروکا و اومانیا^۸، ۲۰۰۹؛ آندریوس^۹، ۲۰۱۱؛ ویلهلمزدوتیر و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۲ و پونزتو^{۱۱}، ۲۰۱۴)، اما مطالعه‌ای چندانی که اثر و نقش اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد، صورت نپذیرفته است. از این رو با توجه به ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و اطلاعات موجود در سطح استان‌های کشور سعی خواهد شد، تا به بررسی اثر اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در سطح استان‌های کشور پرداخته شود.

مقاله حاضر از پنج قسمت تشکیل شده است؛ قسمت دوم به ارائه مبانی نظری و مطالعات پیشین می‌پردازد. در قسمت سوم، به روش‌شناسی پژوهش پرداخته خواهد شد. قسمت چهارم، اختصاص به تجزیه و تحلیل نتایج دارد و نهایتاً در قسمت پنجم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

-
1. Pil and Leana
 2. Tantardini and Kroll
 3. Pyne et al.
 4. Ingelhart
 5. Cusack
 6. Lopez
 7. Jankauskas and Seputiene
 8. Miruka and Omenya
 9. Andrews
 10. Vilhelmsdottir et al.
 11. Ponzetto

۲. ادبیات موضوع و مبانی نظری

درباره دخالت دولت در مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی وجود دارد. این نظریه‌ها در دهه‌های جدید، به شکل جدی‌تری مطرح شده است. از سال ۱۷۷۶ تا دهه ۱۹۳۰ دو نگرش کلی در مورد حضور دولت وجود داشته است. یکی نگرش دولت حداقلی است که منشأ آن مکاتب فیزیوکرات‌ها و کلاسیک‌هاست و دیگری دولت حداکثری است که از سوی مکاتب مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها حمایت می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲).

از دهه ۱۹۳۰ به بعد، نقش دولت به صورت حالت بینابین دو وضع افراط و تفریط مذکور محسوب می‌شود. دهه ۱۹۶۰ هزینه‌های دولت‌ها گسترش پیدا کرد و دولت‌های رفاه شکل گرفت. دهه ۱۹۸۰ یک نوع چرخش عقیده‌ای علیه دولت صورت گرفت و سرانجام این تصور که، بخش دولت نسبت به بخش خصوصی کارایی کمتری دارد، غالب گردید. بنابراین از اواخر این دهه، نقش دولت رو به کاهش نهاد. موضوع خصوصی‌سازی به شکل فراگیری مطرح شد و مسائل تعدیل ساختاری و آزادی تجارت، به طور جدی‌تری دنبال شد. اما فقدان مطالعه کافی و اجرای عجولانه برنامه‌های تعدیل ساختاری، سپردن امور به بخش خصوصی و کوتاه کردن دست دولت‌ها در کشورهای جهان سوم، باعث بروز معضلات فراوان اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی شد. به گونه‌ای که تعدادی از نظریه‌پردازان تعدیل و خصوصی‌سازی در دهه ۱۹۹۰ نظرات قبلی خود را تغییر دادند و خواهان دخالت بیشتر دولت‌ها در امور جامعه شدند. از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان در دهه‌های اخیر، عامل تعیین‌کننده توسعه، به رغم تجربه‌های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم آوردن کالاها، خدمات، مقررات و نهادهایی که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالم‌تر و سعادت‌مندتر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است. ۵۰ سال پیش بسیاری از اندیشمندان دقیقاً همین نظر را عنوان

می‌کردند؛ اما رفته‌رفته تمایل خود را این‌گونه بیان کردند که توسعه باید دولت‌مدار باشد (کاووسی، ۱۳۸۵).

تجارب عملی نشان می‌دهد که تحولات اقتصادی و اجتماعی وابسته به وجود دولت توسعه‌گرا است که نقش اساسی این دولت‌ها، ایجاد زمینه‌ای جهت استقرار نهادها در امر توسعه است و بدون وجود این دولت‌ها با ویژگی‌های خاص خود، تحولات و پیشرفت کشورهای در حال توسعه ممکن نیست (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از مهم‌ترین ابعاد تأثیرگذاری دولت، اثر آن بر تقویت سرمایه اجتماعی است. بسیاری از اندیشمندان معتقدند سرمایه اجتماعی در یک جامعه به شدت متأثر از عملکرد دستگاه‌های دولتی است (پاتنام^۱، ۱۹۹۳). نقش دولت در نظریات مختلف در دو بعد ایجاد و تخریب سرمایه اجتماعی ارائه گردیده است.

۱-۲. نقش دولت در تولید سرمایه اجتماعی

به‌طور کلی دولت از دو طریق اساسی یعنی بسترسازی و اعتمادسازی برای انباشت می‌تواند به تولید سرمایه اجتماعی کمک کند. اولی به این معناست که تدارک نهادی برای حفاظت جدی از آن - که مستلزم وجود دستگاه قضایی قاطع، سریع، ارزان دولت باید بسترهای لازم برای تحریک و تشویق افراد جامعه به همکاری و اقدام‌های جمعی را فراهم آورد. در واقع، دولت باید به ظرفیت‌سازی اجتماعی مبادرت ورزد. این کار می‌تواند از طریق بهسازی اجتماعی، بهسازی فردی و بهسازی نهادی انجام گیرد. در بهسازی اجتماعی، دولت از طریق سیاست‌هایی چون تدارک بهداشت و آموزش همگانی، بیمه‌های بیکاری و نظام تامین اجتماعی فراگیر، ظرفیت اعضای جامعه برای توسعه روابط همیارانه را افزایش می‌دهد. در بهسازی فردی، دولت باید با توانمند کردن و بهسازی افراد - به‌ویژه افراد فقیر، معلول و کم‌بینه - انگیزه لازم برای مشارکت در کنش‌های جمعی و ورود به بازی‌های

1. Putnam

گروهی را فراهم سازد. فقر اقتصادی و آموزشی و آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات اجتماعی، آمادگی بالفعل و بالقوه افراد برای همکاری و وارد شدن در کوشش‌های مدنی، NGOها و سازمان‌های داوطلبانه و خیریه و شبکه‌های اجتماعی را تحلیل برده و فرصت لازم برای بروز قابلیت‌های فردی در تعاملات همیارانه را به آنها نمی‌دهد. در بهسازی نهادی، دولت باید از طریق تدارک محیط نهادی انعقاد یافته، ورود به تعاملات مبتنی بر همکاری و همیاری را برای اعضای جامعه معنادار سازد. در این میان، تدارک ابزارهای کافی و بهنگام برای تعریف شفاف حقوق مالکیت فردی و نیز تدارک نهادی برای حفاظت جدی از آن - که مستلزم وجود دستگاه قضایی قاطع، سریع، ارزان، بی طرف و در دسترس همه است - از اهمیت اساسی برخوردار است. اصولاً، نهادها قواعد بازی برای تعامل اعضای جامعه با یکدیگرند. موقعی که قواعد بازی، تعریف نشده یا غیرشفاف، غیرقابل اجرا و یا جانبدارانه باشند، تمایل به همکاری و همیاری تضعیف خواهد شد. از نظر اقتصادی، قابل اعتماد بودن، نه ویژگی ذاتی افراد، بلکه جنبه‌ای از شرایطی است که افراد در چارچوب آن اقدام و تعامل می‌کنند (پاتنام، ۱۹۹۳).

بنابراین اگر دولت محیط بازی، اعتمادپذیری و حفظ قول و قرارها را برای اعضای جامعه سودمند نسازد، تمایل آنها به عرضه این هنجارها کاهش خواهد یافت. در واقع بخش زیادی از رفتارهای افراد در واکنش به محیط تعامل و قواعد حاکم بر آن شکل می‌گیرند. تعریف شفاف حقوق مالکیت فردی و نیز حفاظت نهادی جدی از آن، هزینه‌های معاملاتی را در تعاملات اجتماعی کاهش داده و در نتیجه، این تعاملات را کم‌هزینه و کمتر مخاطره‌آمیز و تمایل افراد به آنها را بیشتر خواهد کرد. هر چه بر هزینه‌های معاملاتی در جامعه افزوده شود، از اعتماد عمومی کاسته شده و افراد به سمت تعاملات و همکاری‌های محدود و موردی گرایش پیدا می‌کنند. اعتمادسازی برای تولید سرمایه اجتماعی، به این مفهوم است که دولت باید محیط اجتماعی اعتمادزایی تدارک ببیند که نه فقط اعتماد اعضای جامعه به اقدامات و سیاست‌هایش را فراهم آورد، بلکه مشارکت در

اداره جامعه و ورود به شبکه‌های اجتماعی را برای آنها معنادار کند. در این رابطه، ثبات در سیاست‌ها و رفتار دولت و شفافیت آنها، تسهیل جریان اطلاعات توسط دولت، تمرکززدایی از قدرت، دولت شفاف و پاسخ‌گو، تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی، تناسب آن با بازار (دولت دوستدار بازار)، نقش اساسی دارد. در واقع دولت باید ساختاری مشارکت‌جویانه و تسهیل‌گرایانه را طراحی کند و مشارکت‌کنندگان را به مثابه تولیدکنندگان و نه ارباب رجوع یا مشتری بنگرد (پیل و لینا، ۲۰۰۹). زمانی که دولت کارهایی را انجام می‌دهد که امکان انجام دادن آنها- حداقل با همان استاندارد- توسط بخش خصوصی و جامعه مدنی وجود دارد، اعتماد عمومی سلب خواهد شد. به عبارت دیگر، ازدحام دولت و در نتیجه از میدان خارج کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی از عرصه فعالیت، به منزله بی‌اعتمادی دولت به آن دو است. موقعی که دولت در عرصه‌هایی غیر از آنچه برایش تعریف شده، مداخله کند، بی‌اعتمادی گسترش خواهد یافت. بنابراین سطح مداخله دولت و کیفیت آن در جامعه، یکی از عوامل اساسی متاثرکننده اعتماد عمومی است. وجود دولتی که رابطه‌اش با بخش خصوصی و جامعه مدنی شفاف و قاعده‌مند باشد، در اطمینان‌دادن به اعضای جامعه در خصوص معناداری محیط فعالیت و همکاری و نیز برگشت‌پذیری بازدهی حاصل از هنرآفرینی کاملاً مؤثر خواهد بود. بی‌گمان چنین دولتی باید دوستدار بازار باشد و به‌جای برنامه‌ریزی بیشتر به سیاست‌گذاری بپردازد (خضری، ۱۳۸۴).

صلاحیت و شایستگی دولت نیز یکی از عوامل اساسی اعتمادسازی عمومی است. دولت شایسته و کارآمد با تعدیل نارساییهایی چون ناکارایی سازمانی، ناکارایی تخصیصی و نیز مشکل کارگزاری و در نتیجه عرضه مدیریت عمومی پرکیفیت، اعتماد عمومی را نسبت به اقدامات و سیاست‌هایش بیشتر می‌کند. در واقع، چنین دولتی، این اعتماد را در بین رای‌دهندگان ایجاد می‌کند که مالیات‌های وصول‌شده از آنها را، درست در جایی هزینه خواهد کرد که اگر خودشان نیز تصمیم به تخصیص آنها می‌گرفتند، در همان‌جا هزینه

می‌کردند. کفایت و شایستگی دولت، قبل از هر چیز اعتماد دانش پایه را در رای‌دهندگان تقویت می‌کند. بنابراین، دولت شایسته و کارآمد با حفظ و تقویت تعامل مبتنی بر رابطه کارگزاری بین خود و رای‌دهندگان به تولید سرمایه اجتماعی کمک خواهد کرد (آندریوس^۱، ۲۰۱۶).

۲-۲. نقش دولت در تخریب سرمایه اجتماعی

چون هنجار اعتماد در بین اعضای جامعه به آسانی به وجود نمی‌آید، بنابراین مسلم است که تولید سرمایه اجتماعی، به سهولت تخریب آن نخواهد بود. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی را می‌توان به آسانی تخریب کرد؛ اما به سهولت قابل تولید یا بازیافت نیست. از این رو، رفتار دولت- به‌عنوان کنشگر عمده اجتماعی و نیز عرضه‌کننده ساختارها- در جامعه باید کاملاً حساب‌شده و هوشمندانه باشد. بر این اساس می‌توان گفت که اگر دولت، خیرخواه عموم و همه‌چیزدان^۲ نباشد یا نتواند کار ویژه‌اش را به‌درستی انجام دهد، سرمایه اجتماعی تخریب خواهد شد. این احساس که دولت خیرخواه عموم شهروندان است و در نتیجه به زیان آنها و به نفع گروهی خاص اقدام نمی‌کند و نیز احساس اینکه دولت همه‌چیزدان است و بنابراین نسبت به پیامدها و برون‌دادهای مثبت و یا منفی اقداماتش اشراف دارد، به ایجاد و تقویت یا بازیافت اعتماد عمومی در جامعه کمک می‌کند. بر این اساس می‌توان اظهار داشت که سرمایه اجتماعی در دولت مردم‌سالار کمتر تخریب می‌شود. به‌همین ترتیب انتظار بر این است که در دولت‌های کمتر مردم‌سالار یا اقتدارگرا، استبدادی، رانتیر^۳ و دولت‌های مبتنی بر روابط حامی - پیرو^۴، امکان تخریب سرمایه اجتماعی بیشتر باشد (ویللمزدوتیر و همکاران، ۲۰۱۲).

1. Andrews
2. Ommiscient
3. Rentier State
4. Patron – Client Oriented Government

دولت مردم‌سالار فقط در حضور اقتصاد رقابتی معنا و مفهوم پیدا می‌کند؛ بنابراین ترکیب آن دو است که احتمال تخریب سرمایه اجتماعی در جامعه را به حداقل می‌رساند. در اقتصاد رقابتی، اطلاعات شفاف بوده و آزادانه جریان می‌یابد و نیز سازوکار قیمت، ارزش‌های نهفته در سبدهای حقوقی مورد تعامل (بده-بستان) را به خوبی بازتاب می‌دهد. بنابراین، هزینه‌های معاملاتی اندک بوده و تمایل افراد به تعامل و همکاری بیشتر خواهد شد. در اقتصاد رقابتی آنچه افراد با یکدیگر مبادله می‌کنند، حداقل به یک اندازه ارزش خواهند داشت؛ چراکه در غیر این صورت امکان مبادله و تعامل فراهم نخواهد شد. از این رو، افرادی که فرصت‌طلب و کلاهبردار هستند، قادر به ادامه فعالیت و تعامل با دیگران نخواهند بود. مشارکت‌کنندگان می‌دانند که در صورت عرضه رفتارهای مخاطره‌آمیز و متقلبانه، بایستی از بازار خارج شوند. بنابراین اقتصاد رقابتی پیشاپیش احساس اعتماد را در افرادی که می‌خواهند با یکدیگر تعامل و همکاری کنند، ایجاد خواهد کرد. بر پایه این استدلال می‌توان گفت که دولت دوستدار بازار یکی از بلوک‌های اساسی سازنده سرمایه اجتماعی در جامعه است. در نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک که در آنها دولت معمولاً هم‌چون «لویاتان»^۱ رشد می‌کند، امکان تخریب و کاهش سرمایه اجتماعی به حداکثر ممکن خود می‌رسد. بنابراین، فقط در نظام سیاسی دموکراتیک و اقتصاد رقابتی است که اعتماد عمومی بالا بوده و امکان تخریب سرمایه اجتماعی به حداقل ممکن خود تقلیل می‌یابد. در این فضا سرمایه اجتماعی به‌طور انبوهی تقویت و تولید خواهد شد (پونزتو^۲، ۲۰۱۴).

این اعتقاد وجود دارد که دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در کشورهای صادرکننده مواد خام (مانند نفت)، متولی تولید و صدور مواد خام هستند. از این رو، اندازه دولت در این کشورها افزایش یافته و به مهم‌ترین بخش اقتصادی در این کشورها مبدل

1. Leviatan
2. Ponzetto

می‌شوند. درآمدهای ناشی از صدور مواد خام، اثرات سیاسی و اجتماعی نیز به‌دنبال دارد. به‌سبب استقلال مالی دولت از جامعه، دولت‌های رانتی رویه‌های اقتدارآمیز در مناسبات خود با جامعه در پیش می‌گیرند و در نتیجه در این کشورها، شاهد ضعف نهادهای مدنی و گروه‌های اجتماعی هستیم. تمرکز منابع در دست دولت، به‌علت آن‌که هر فرد تلاش دارد به‌تنهایی سهم بیشتری از منابع را در اختیار بگیرد، از شکل‌گرفتن شبکه‌های افقی و گسترده اجتماعی جلوگیری نموده و در نتیجه، مجموعه‌ای از روابط نابرابر عمودی و یک‌سویه میان دولت و مردم به‌وجود می‌آید. نبود گروه‌های اجتماعی و تعامل سازنده میان جامعه و دولت، ضعف در جامعه مدنی را به‌دنبال دارد و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. به‌سبب تمرکز منابع اقتصادی در دست دولت و وابستگی طبقات اجتماعی به منابع و تصمیمات دولتی، طبقات مستقل قادر به شکل‌گیری نیستند و حتی طبقه سرمایه‌دار نیز وابسته به دولت است که به‌واسطه شبکه‌های حامی-پیرو، رشد یافته تا از سیاست‌های دولت پیروی و از دولت‌مردان حمایت کند. در این جوامع، طبقات متوسط تحصیل کرده و جدید نیز به‌واسطه اشتغال در نهادهای وابسته به دولت، طبقه‌ای وابسته را به‌وجود می‌آورند. از این‌رو، با پیروی از باندهای مختلف قدرت و حمایت از آنها در کسب قدرت، به‌دنبال کسب مشاغل و مناصب دولتی هستند و از این طریق نیز آنها جذب شبکه‌های حامی-پیرو می‌شوند. از سوی دیگر، بروکرات‌ها نیز با استفاده از موقعیت خویش پروژه‌های دولتی را با بیشترین هزینه به انجام می‌رسانند و با استفاده از حاشیه‌های امن که این شبکه‌ها برای آنها فراهم آورده است، از پرداخت حق و حقوق دولتی، مانند مالیات طفره می‌روند و سبب رشد فساد مالی می‌گردند (پناهی و امینی، ۱۳۹۰).

بنابراین از سویی انتظار می‌رود بر اساس تئوری‌های جدید توسعه، میزان سرمایه اجتماعی تحت تأثیر مثبت دولت و سیاست‌های آن باشد. از سوی دیگر، انتظار می‌رود بزرگ‌تر شدن ابعاد دولت، اثر منفی بر سرمایه اجتماعی و موارد مرتبط با آن داشته باشد.

بنابراین یک دوگانگی در ارتباط با تأثیرگذاری اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی کشور وجود خواهد داشت.

۲-۳. پیشینه پژوهش

نادمی و زبیری^۱ (۲۰۱۷) به بررسی اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. در این راستا اثر متغیرهای اندازه دولت، حقوق مالکیت، ضریب جینی، آموزش و جنبش‌های قومی بر سرمایه اجتماعی ۱۰۹ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۸ مورد بررسی قرار داده شده است. برآورد نتایج با استفاده از یک الگوی داده‌های ترکیبی اثر ثابت نشان می‌دهد که بین اندازه دولت و سرمایه اجتماعی رابطه غیرخطی وجود دارد. هنگامی که اندازه دولت کوچک است (کمتر از ۲۶,۱۷ درصد)، افزایش حجم دولت تاثیر مثبتی بر سرمایه اجتماعی دارد. با این حال، زمانی که اندازه دولت بزرگ است (بزرگتر از ۲۶,۱۷ درصد)، اندازه دولت تاثیر منفی بر سرمایه اجتماعی دارد.

آیدنی و همکاران^۲ (۲۰۱۶) نشان دادند که هزینه‌های دولت، اثری حائز اهمیت بر سرمایه اجتماعی کشور نیجریه دارد. تخصیص بودجه افزایشی به بخش‌های اجتماعی منجر به سرمایه انسانی و اجتماعی ماهر و سالم می‌شود که به طور قابل توجهی به اقتصاد کمک می‌کند.

آندریوس^۳ (۲۰۱۶) به بررسی اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در نهادهای دولتی در کشورهای منتخب اروپایی پرداخته است. وی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، اثرات متغیرهای اندازه سازمان و تمرکززدایی را بر سرمایه اجتماعی سازمانی، بررسی کرده است. نتایج آماری حاکی از آن بود که یک رابطه منفی و معنادار بین اندازه

1. Nademi and Zobeiri
2. Idenyi et al.
3. Andrews

سازمان و سرمایه اجتماعی و یک رابطه مثبت و معنادار بین اندازه سازمان و سرمایه اجتماعی وجود دارد.

اسولوا و کوبیسوا^۱ (۲۰۱۴) به بررسی نقش دولت‌های محلی در ایجاد و حمایت از سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. در این مقاله ضمن تاکید بر نقش مثبت و سازنده سرمایه اجتماعی در پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع، نقش دولت‌ها در ایجاد سرمایه اجتماعی مورد سوال قرار گرفته است. در این مقاله سرمایه اجتماعی را متشکل از سه فاکتور زیر در نظر گرفته است:

$$SC = BONDING + BRIDING + LINKING \quad (1)$$

در رابطه فوق، BONDING بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، LINKING و برون‌گروهی اجتماعی سرمایه بر BRIDING بر سرمایه اجتماعی ارتباطی یا میانی اشاره دارد. این مطالعه که در یک منطقه روستایی در کشور اسلواکی انجام شده است، نشان می‌دهد که دولت‌های محلی نقش مهمی در ایجاد و حفاظت از سرمایه اجتماعی به‌ویژه در بعد برون‌گروهی آن دارند.

مهدوی و عزیزمحمدلو (۱۳۹۷) تابع انباشت سرمایه اجتماعی را با استفاده از داده‌های سری زمانی کشور ایران در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۵۳ و با استفاده از روش جوهانسون و الگوی تصحیح خطای برداری برآورد کرده‌اند. براساس نتایج حاصله، سرمایه اجتماعی در بلندمدت به‌طور مثبت با متغیرهای سرمایه فیزیکی، میزان درآمد و سرمایه انسانی و به‌طور منفی با متغیرهای نابرابری در توزیع درآمد، بیکاری، تورم، میزان شهرنشینی و میزان صنعتی شدن جامعه ارتباط دارد. در کوتاه‌مدت نیز متغیرهایی مانند سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه و سرمایه انسانی رابطه مثبت و معناداری با انباشت سرمایه اجتماعی دارند. افزایش میزان بیکاری، افزایش شهرنشینی و همچنین افزایش صنعتی شدن نیز در کوتاه‌مدت با تضعیف سرمایه اجتماعی هم‌راستا است.

1. Osolova and Kobisva

موسوی (۱۳۹۵) اثرات اندازه دولت و بی ثباتی اقتصاد کلان را بر سرمایه اجتماعی در ۱۶ کشور طی سه دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۹۹، ۲۰۰۹-۲۰۰۵ و ۲۰۱۴-۲۰۱۰ بررسی کرده است. در این مطالعه از شاخص کنترل فساد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی استفاده شده است. نتایج تجربی حاکی از اثرات منفی و قابل ملاحظه اندازه دولت، بی ثباتی اقتصاد کلان و نابرابری بر سرمایه اجتماعی است.

کریمی راهجردی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. در این مطالعه از دو شاخص سرانه پرونده‌های قضایی و سرانه حقیقی مطالبات غیرجاری سیستم بانکی به عنوان جایگزین سرمایه اجتماعی استفاده شده است. نتایج نشان داد که روند سرمایه اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۶۲ یک روند کاهشی است. همچنین اندازه دولت و نوسانات درآمدهای نفتی هر دو دارای اثر معنادار و کاهنده یا تخریب کننده بر سرمایه اجتماعی هستند.

پناهی و امینی (۱۳۹۰) به بررسی موضوع دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی در ایران پرداخته‌اند. این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آمارهای موجود اقتصادی و مرتبط با سرمایه اجتماعی، تلاش داشته است تا رابطه رانت نفتی با اقتصاد دولتی و تاثیر آن بر فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی را در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۶۸ مورد بررسی قرار دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رانت حاصل از نفت منجر به سرمایه‌داری دولتی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش داده است. هاشمی و نوروزی (۱۳۸۸) به مفهوم‌شناسی و بررسی تأثیر دولت بر سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دولت از طریق بهسازی فردی، اجتماعی و نهادی و نیز تدارک محیط اجتماعی اعتمادزا به تولید سرمایه اجتماعی می‌پردازند. سرمایه اجتماعی منبع اصلی انسجام و وحدت اجتماعی است و بدون آن نمی‌توان به توسعه رسید.

در مورد وجه تمایز و نوآوری مطالعه حاضر می‌توان گفت که تاکنون در هیچ مطالعه داخلی تأثیر اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در سطح استانی مورد بررسی تجربی قرار نگرفته است. هم‌چنین در این مطالعه، با تفکیک مخارج دولت، به سهم مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت از تولید ناخالص داخلی، اثر اندازه دولت بر سطح سرمایه اجتماعی استانی از این دو بعد نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. نکته مهم دیگر آنکه در این مطالعه برای محاسبه سرمایه اجتماعی استان‌ها، بر خلاف مطالعات گذشته از یک شاخص جامع و ترکیبی استفاده شده است. به این منظور بر اساس رهیافت پاتنام و کلمن، سه سطح مشارکت، اعتماد و انسجام در نظر گرفته شده و به‌منظور ترکیب شاخص‌های مورد استفاده در این سطوح، از روش تحلیل عاملی استفاده و سطح سرمایه اجتماعی استان‌های کشور در سال‌های مختلف محاسبه شده است.

۳. الگو و روش پژوهش

در این پژوهش از الگوی کلی زیر جهت برآورد تأثیر اندازه دولت بر سطح سرمایه اجتماعی استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۵ استفاده شده است:

$$SC_{it} = \beta_0 + \beta_1 GS_{it} + \sum_{j=2}^{k+1} \beta_j Control_{it} + \varepsilon_{it} \quad k \geq 1 \quad (2)$$

در رابطه فوق متغیرها به‌صورت زیر تعریف شده‌اند:

SC_{it} : سطح سرمایه اجتماعی استان t ام در سال t ام؛ GS_{it} : اندازه دولت که برای آن از دو متغیر سهم هزینه‌های مصرفی دولت از GDP در سال t ام در استان t ام (GS1)، سهم هزینه‌های عمرانی دولت از GDP در سال t ام در استان t ام (GS2) و مجموع این دو سهم (GS3) استفاده خواهد شد. بنابراین در مجموع سه معادله برآوردی خواهیم داشت. با توجه به توضیحات ارائه‌شده در قسمت مبانی نظری و به‌طور خلاصه بر اساس نظر پاتنام (۱۹۹۳)، هر اندازه دولت در جهت شفاف‌سازی فضای حاکم بر جامعه و برنامه‌ها و اقدامات خود تلاش کند، می‌تواند اعتماد و مشارکت مردم را بیشتر جلب نماید و هر اندازه

پنهان کاری و محافظه کاری در برنامه‌هایش بیشتر شود، از اعتماد مردم نسبت به دولت و سیاست‌های آن کاسته خواهد شد.

k: تعداد متغیرهای کنترل.

Control: سایر متغیرهای مؤثر بر سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیرهای کنترل الگوی سرمایه اجتماعی مفهومی چندبعدی است که در دنیای واقع تحت تأثیر طیف گسترده‌ای از تعیین‌کننده‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی است که هر یک سهمی در توضیح تغییرات آن دارد. به‌طور کلی متغیرهای متعددی در تعیین سرمایه اجتماعی دخیل هستند که به‌دلیل ملاحظات فنی، امکان احصاء و گنجاندن تمامی آنها در تابع سرمایه اجتماعی مقدور نیست. با توجه به این محدودیت‌ها، عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی را جهت لحاظ کردن در تابع سرمایه اجتماعی، می‌توان در سه دسته عوامل مادی و اقتصادی (مانند سرمایه‌گذاری، درآمد، نابرابری درآمد و تورم)، عوامل اجتماعی و فرهنگی (مانند سرمایه انسانی و بیکاری) و عوامل محیطی و جغرافیایی (مانند میزان شهرنشینی و میزان صنعتی‌شدن) دسته‌بندی کرد (مهدوی و عزیزمحمدلو، ۱۳۹۷: ۱۹). بر اساس این توضیحات و دسته‌بندی انجام‌شده، به‌منظور افزایش قدرت توضیح‌دهندگی الگو و همچنین جلوگیری از تورش تصریح الگو و با توجه به اصل قلت پارامترهای توضیحی و محدودیت‌های آماری از متغیرهای زیر به‌عنوان متغیرهای کنترل الگو استفاده شده است:

INF_{it}: نرخ تورم استان t ام در سال t ام. تورم به‌عنوان یکی از نموده‌های ثبات اقتصادی به طرق مختلفی بر سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تورم با تحت تأثیر قراردادن ثروت واقعی و قدرت خرید مردم، توان و کیفیت مشارکت آنها را در امور اجتماعی متأثر می‌کند و از طرف دیگر از آنجاکه در اثر تورم، شکاف درآمدی و ثروت بین فقرا و ثروتمندان بیشتر می‌شود، سرمایه اجتماعی نیز تضعیف می‌شود. همچنین تورم می‌تواند زمینه‌های اعتماد مردم به دولت و سیاست‌های آن را رقم بزند؛ به‌گونه‌ای که تورم بالاتر بی‌اعتمادی بیشتر مردم به دولت را منجر خواهد شد (همان: ۱۰).

Y_{it} : درآمد سرانه استان t ام در سال t ام. در خصوص اثرگذاری میزان درآمد بر سرمایه اجتماعی دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول این است که افراد دارای درآمدهای بالاتر، آشنایی بیشتری با فعالیت‌های انجمنی و مشارکت‌جویانه و مزایای حاصل از آنها دارند و این امر آنها را ترغیب به مشارکت بیشتر کرده و به تبع آن سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. دیدگاه مقابل عنوان می‌کند که هزینه فرصت افرادی که درآمد بالاتری دارند، بیشتر است؛ در نتیجه افزایش مشارکت آنها مشروط به بالا بودن منافع مشارکت و جبران این هزینه است. علاوه بر این، افراد با درآمد بالاتر می‌توانند آنچه را که از طریق فعالیت مشارکت طلبانه به دست می‌آید، به راحتی با پول به دست آورند. همچنین، هنگامی که به دلیل رفاه و فراوانی، کمک دولت، یا عامل دیگری، افراد کمتر به یکدیگر نیاز داشته باشند، سرمایه اجتماعی کمتری در جامعه ایجاد می‌شود (مهدوی و عزیزمحمدلو، ۱۳۹۷: ۱۰-۹).

UP_{it} : میزان شهرنشینی در استان t ام در سال t ام. تغییر میزان شهرنشینی می‌تواند تغییر ترکیب سرمایه اجتماعی از نقطه نظر درون‌گروهی و میان‌گروهی را در پی داشته باشد. به گونه‌ای که افزایش این میزان، تقویت سرمایه اجتماعی میان‌گروهی و کاهش آن افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را باعث می‌شود. بنابراین به طور کلی اثر آن بر سرمایه اجتماعی مبهم است.

ED_{it} : نسبت دانش‌آموزان و دانشجویان به کل جمعیت استان t ام در سال t ام. این متغیر نشان‌دهنده و شاخص سرمایه انسانی است و می‌تواند با افزایش سطح آگاهی، حساسیت و مشارکت مردم در امور اجتماعی، زمینه بهبود سرمایه اجتماعی را فراهم کند. با توجه به توضیحات فوق و متغیرهای کنترل انتخاب‌شده، الگوی نهایی این پژوهش به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$SC_{it} = \beta_0 + \beta_1(GS)_{it} + \beta_2(INF)_{it} + \beta_3(Y)_{it} + \beta_4(UP)_{it} + \beta_5(ED)_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

در اغلب مطالعات صورت گرفته در ارتباط با سرمایه اجتماعی، بر اساس رهیافت پاتنام و کلمن^۱، برای اندازه‌گیری این مفهوم سه سطح مشارکت، اعتماد و انسجام در نظر گرفته شده است (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به نوع مطالعات صورت گرفته (استفاده از اطلاعات مقطعی یا سری زمانی)، از متغیرهای متفاوتی در جهت اندازه‌گیری متغیر سرمایه اجتماعی در این مطالعات بهره گرفته شده است. جمع‌بندی مطالعات انجام شده در این زمینه نشانگر این واقعیت است که در برخی از مطالعات از اطلاعات به صورت پرسش‌نامه‌ای استفاده شده است؛ که به لحاظ ماهیت این پژوهش، متغیرهای مورد استفاده در این مطالعات کم‌تر در این مطالعه قابل استفاده خواهند بود. همچنین با توجه به اینکه مطالعه حاضر در سطح تمامی استان‌های کشور مدنظر قرار گرفته است، عدم انتشار برخی از داده‌ها در بعضی از استان‌های کشور به صورت سری زمانی نیز محدودیتی دیگر در انتخاب متغیرها محسوب می‌شود. در نهایت به منظور محاسبه سرمایه اجتماعی، با توجه به مطالعه مهرگان و همکاران (۱۳۹۱) و اطلاعات موجود در کشور طی بازه زمانی مورد بررسی پژوهش، متغیرهای گزارش شده جدول (۱) در زیرمجموعه هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی، به منظور محاسبه این متغیر مدنظر قرار گرفته‌اند.

1. Coleman

جدول (۱). متغیرهای مورد استفاده در پژوهش جهت محاسبه سرمایه اجتماعی

| | | |
|--|--|-------------------------------|
| مشارکت اجتماعی | اعتماد اجتماعی | انسجام اجتماعی |
| سرانه ازدواج | سرانه قتل عمد | سرانه ازدواج |
| سرانه تماشاگران فیلم در سینما | سرانه ایجاد ضرب و جرح | سرانه طلاق |
| سرانه اعضای کتابخانه | سرانه مسموم کردن عمدی | سرانه تماشاگران فیلم در سینما |
| مراجعه سرانه به کتابخانه | سرانه اقدام به خودکشی | سرانه اماکن مذهبی |
| نسبت درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای عمومی استان | سرانه سرقت | سرانه اعضای کتابخانه |
| | سرانه موادمخدر کشف شده | |
| | سرانه طلاق | |
| | نسبت درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای عمومی استان | |

منبع: مطالعات تجربی مختلف

طبق جدول (۱)، در محاسبه بعد اعتماد اجتماعی به جز شاخص آخر، سایر شاخص‌ها در بعد منفی اعتماد اجتماعی به کار گرفته شده است. با توجه به انتخاب متغیرهای مختلف به منظور اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در سطح استان‌های کشور، لازم است تا یک شاخص‌سازی کلی از متغیرهای مذکور انجام پذیرد. در جهت این شاخص‌سازی، بعد از محاسبه مقدار عددی هر شاخص، مقدار نرمال‌شده هر شاخص محاسبه و از تجمیع این شاخص‌ها می‌توان مقادیر سرمایه اجتماعی برای هر استان را محاسبه نمود. شاخص‌های فوق را می‌توان به دو دسته، شاخص‌هایی که بیانگر وجود سرمایه اجتماعی هستند و شاخص‌هایی که فقدان سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند، تقسیم‌بندی نمود. به منظور نرمال‌کردن شاخص‌هایی که وجود سرمایه اجتماعی را تأیید می‌کنند از رابطه (۴)، به شکل زیر استفاده شده است:

$$\frac{x_i - x_{\min}}{x_{\max} - x_{\min}} \quad (۴)$$

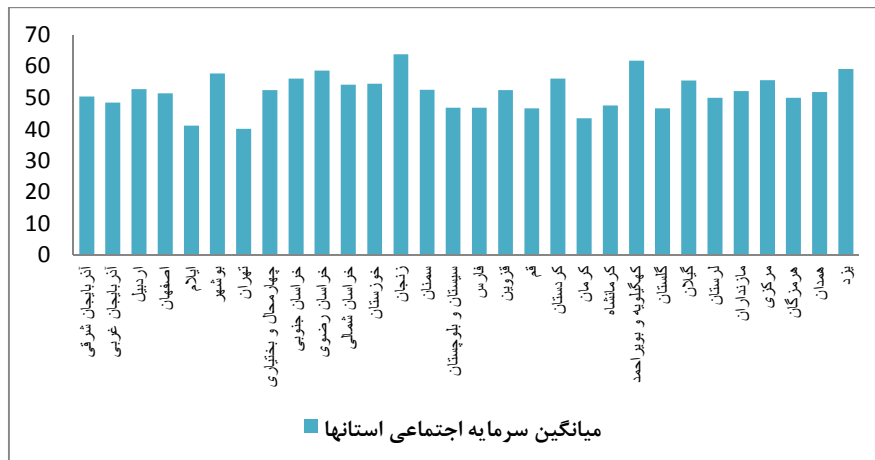
اما در جهت نرمال نمودن شاخص‌هایی که نشان‌دهنده فقدان سرمایه اجتماعی در سطح استان‌های کشور هستند، رابطه (۵) مورد استفاده قرار گرفته است.

$$\frac{X_i - X_{\max}}{X_{\min} - X_{\max}} \quad (5)$$

در رابطه‌های فوق X_i بیانگر میزان شاخص X_{\max} و X_{\min} به ترتیب نشان‌دهنده حداکثر و حداقل مقدار شاخص موردنظر در بین استان‌های کشور در هر سال است (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱). اما به‌منظور تعیین ضریب بهینه برای هر شاخص یا عامل در مطالعه حاضر از روش «تحلیل عاملی»^۱ استفاده خواهد شد. بدین معنی که در ابتدا با استفاده از روش تحلیل عاملی، شاخص‌های ۱۳ گانه در گروه‌های عاملی مختلف تقسیم‌بندی شده و سپس ضریب اهمیت هر عامل در جهت محاسبه شاخص سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور در بازه زمانی مورد پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱). لازم به توضیح است که استان البرز در سال ۱۳۸۹ به‌صورت استانی مستقل از استان تهران در سالنامه‌های آماری مدنظر قرار گرفته است و امکان تفکیک اطلاعات به‌صورت دو استان وجود نداشت. بنابراین اطلاعات این استان به‌صورت تجمیع با استان تهران درنظر گرفته شده است. بر مبنای تحلیل عاملی صورت‌گرفته و اعمال ضرایب برای هر یک از متغیرهای مدنظر در هر عامل، اعداد مربوط به سرمایه اجتماعی استان‌های کشور محاسبه شده است. بر این مبنای سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۸ استان کهگیلویه و بویراحمد در صدر استان‌های کشور از دیدگاه میزان سرمایه اجتماعی قرار دارد. در سال ۱۳۸۹، استان یزد و در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نیز استان زنجان بیشترین سطح سرمایه اجتماعی کشور را به‌خود اختصاص داده‌اند. از سویی در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ استان ایلام، در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۲ استان تهران، در سال ۱۳۸۷ استان کرمان و در سال ۱۳۹۰ استان همدان کم‌ترین میزان سرمایه اجتماعی را دارا بوده‌اند. در نمودار (۱) میانگین سطح سرمایه اجتماعی در سطح استان‌های

1. Factor Analysis

کشور با اعمال وزن در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۲ ارائه شده است. به طور متوسط در بین سال‌های مورد بررسی استان زنجان با میانگین ۶۳/۸ در صدر استان‌های کشور قرار دارد و استان تهران با میانگین ۴۰/۰۶ کم‌ترین میزان سرمایه اجتماعی را دارا است.



نمودار (۱). سرمایه اجتماعی استان‌های کشور ۱۳۸۵-۱۳۹۲ (با اعمال ضرایب)

منبع: یافته‌های پژوهش

بانک‌های اطلاعاتی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی به‌عنوان منبع داده‌های مورد استفاده در این پژوهش هستند. لازم به ذکر است که در تحقق حاضر از نرم افزار Eviews10 جهت برآورد الگوهای اقتصادسنجی بهره گرفته شده است.

۲-۳. روش پژوهش

در این پژوهش به‌منظور برآورد الگوهای پژوهش، از روش اقتصادسنجی گسسته‌های تعمیم‌یافته (GMM)، ارائه شده توسط آرانو و باند^۱ (۱۹۹۱)، آرانو و باور^۲ (۱۹۹۵) و

1. Arrelano and Bond
2. Arellano and Bover

بلوندل و باند^۱ (۱۹۹۸) در داده‌های ترکیبی استفاده شده است. این روش هنگامی به کار می‌رود که تعداد متغیرهای برش مقطعی (N) بیش‌تر از تعداد سال‌ها (زمان) باشد ($N > T$) که در مقاله حاضر نیز این‌گونه است (گرین^۲، ۲۰۱۲). در روش GMM ابتدا اقدام به تفاضل‌گیری می‌شود تا به این ترتیب بتوان اثرات مقاطع را به ترتیبی از الگو حذف کرد و در مرحله‌ی دوم از پسماندهای باقی‌مانده در مرحله‌ی اول برای متوازن کردن ماتریس واریانس - کواریانس استفاده می‌شود. به عبارت دیگر این روش، متغیرهای تحت عنوان متغیر ابزاری ایجاد می‌کند تا برآوردهای سازگار و بدون تورش داشته باشیم (یالتاجی^۳، ۲۰۰۵: ۱۴۰).

۴. آزمون الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

قبل از برآورد الگو، برای اطمینان از ساختگی نبودن و در پی آن نتایج نامطمئن، به بررسی پایایی متغیرها با استفاده از آزمون ایم، پسران و شین (IPS) و آزمون فیشر- دیکي فولر تعمیم یافته (ADF-Fisher) پرداخته شده است. این آزمون در دو حالت داده‌های مقطعی دارای مقدار ثابت و داده‌های مقطعی دارای مقدار ثابت و روند بررسی شده است. بر اساس نتایج آزمون پایایی IPS و ADF-Fisher با مقدار ثابت و با مقدار ثابت و روند زمانی، مطابق با جدول (۲)، متغیرهای سرمایه اجتماعی، نسبت هزینه‌های جاری به تولید ناخالص داخلی، جمع نسبت هزینه‌های جاری و عمرانی به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، میزان شهرنشینی و آموزش در سطح پایا هستند و متغیرهای نسبت هزینه‌های عمرانی به تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه، در سطح ناپایا هستند و بایک بار تفاضل‌گیری پایا شده‌اند.

-
1. Blundell and Bond
 2. Green
 3. Baltagi

جدول (۲). نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای الگو

| متغیر | آزمون IPS | | | | آزمون ADF-Fisher | | | | درجه هم‌جمعی |
|--------|----------------|--------|-----------------------|--------|------------------|--------|-----------------------|--------|--------------|
| | با عرض از مبدأ | | با عرض از مبدأ و روند | | با عرض از مبدأ | | با عرض از مبدأ و روند | | |
| | آماره | احتمال | آماره | احتمال | آماره | احتمال | آماره | احتمال | |
| SC | -۱/۹۷ | ۰/۰۰ | -۲/۹۹ | ۰/۰۰ | ۹۰/۰۸ | ۰/۰۰ | ۹۱/۷۴ | ۰/۰۰ | I(0) |
| GS1 | -۵۵/۶ | ۰/۰۰ | -۶۲/۲ | ۰/۰۰ | ۶۰۳/۷ | ۰/۰۰ | ۵۴۰/۹ | ۰/۰۰ | I(0) |
| D(GS2) | -۳/۱۶ | ۰/۰۰ | -۲/۹۲ | ۰/۰۰ | ۱۰۵/۳ | ۰/۰۰ | ۵۸/۱۳ | ۰/۰۰ | I(1) |
| GS3 | -۴/۶۶ | ۰/۰۰ | -۳/۶۲ | ۰/۰۰ | ۱۳۸/۶ | ۰/۰۰ | ۱۶۳/۴ | ۰/۰۰ | I(0) |
| INF | -۱۲/۵ | ۰/۰۰ | -۱۷/۲ | ۰/۰۰ | ۳۲۸/۴۱ | ۰/۰۰ | ۴۱۴/۱۲ | ۰/۰۰ | I(0) |
| D(Y) | -۳/۲۳ | ۰/۰۰ | -۱/۸۷ | ۰/۰۰ | ۱۱۱/۵۶ | ۰/۰۰ | ۹۸/۱۲ | ۰/۰۰ | I(1) |
| UP | -۶/۸۱ | ۰/۰۰ | -۶/۹۸ | ۰/۰۰ | ۱۵۵/۲۱ | ۰/۰۰ | ۱۷۲/۱۲ | ۰/۰۰ | I(0) |
| ED | -۲/۷۵ | ۰/۰۰ | -۳/۹۷ | ۰/۰۰ | ۸۵/۱۲ | ۰/۰۱ | ۷۶/۴۶ | ۰/۰۷ | I(0) |

* نماد D در ابتدای متغیرها، اشاره به عمل تفاضل‌گیری دارد و در مورد متغیرهایی استفاده شده که در سطح ناپایا بوده‌اند.

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به وجود متغیرهای ناپایا در الگو و به منظور جلوگیری از اتکا به رگرسیون کاذب، پیش از برآورد الگو، بایستی وجود هم‌جمعی^۱ (رابطه بلندمدت) بین متغیرهای الگو تأیید شود. در این پژوهش از آزمون هم‌جمعی پدرونی^۲ برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه هم‌جمعی میان متغیرها استفاده شده است. این آزمون برای بررسی هم‌جمعی بین داده‌های ترکیبی، دو نوع آماره را پیشنهاد داده است: نوع اول مبتنی بر رویکرد درون‌گروهی است؛ که شامل چهار آماره داده‌های ترکیبی: ρ ، ρ و ADF است. نوع دوم مبتنی بر روش بین‌گروهی است؛ که شامل سه آماره گروه: ρ ، ρ و ADF است. فرضیه صفر تمام آماره‌های این آزمون، نشان‌دهنده عدم هم‌جمعی و فرضیه مقابل آن اشاره به هم‌جمعی بین متغیرهای الگو دارد. در این پژوهش از دو آماره داده‌های ترکیبی

1. Co-integration
2. Pedroni

و گروهی ADF استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۳) آمده است. بر اساس نتایج به دست آمده، فرض صفر مبنی بر نبودن رابطه‌ی هم‌جمعی بین متغیرهای هر سه الگو رد می‌شود و هر دو آماره وجود هم‌جمعی بین متغیرها را نشان می‌دهند. بنابراین مشکل رگرسیون جعلی را نخواهیم داشت و معادلات تخمین زده شده، معادلات تعادلی بلندمدت خواهد بود.

جدول (۳). آزمون هم‌جمعی پدرونی بین متغیرهای الگو

| الگو | آماره | مقدار آماره آزمون | احتمال |
|--------|----------------|-------------------|--------|
| الگو ۱ | Panel ADF-Stat | -۳/۸۸۱ | ۰/۰۰۰۰ |
| | Group ADF-Stat | -۳/۴۸۱ | ۰/۰۰۰۲ |
| الگو ۲ | Panel ADF-Stat | -۱۰/۸۱۸ | ۰/۰۰۰ |
| | Group ADF-Stat | -۱۰/۲۵۵ | ۰/۰۰۰ |
| الگو ۳ | Panel ADF-Stat | -۵/۸۱۴ | ۰/۰۰۰ |
| | Group ADF-Stat | -۵/۲۱۲ | ۰/۰۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

پیش از برآورد الگو بایستی مشخص شود که تفاوت فردی یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا این که مقطع‌ها با هم همگن هستند؟ و برای این تخمین می‌بایست داده‌های آماری را روی هم انباشته کرد و به روش OLS معمولی (پولینگ دیتا) برآورد را انجام داد یا روش داده‌های ترکیبی مناسب است؟ با استفاده از آزمون F لیمر می‌توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. فرضیه صفر آماره‌ی F مبتنی بر همگن بودن مقاطع است. چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی در بین مقاطع (داده‌های ترکیبی) پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون F لیمر در جدول (۴) انعکاس یافته است. نتایج جدول بیانگر رد شدن فرضیه صفر و وجود ناهمگنی مقاطع در هر سه حالت در سطح پنج درصد است؛ بنابراین روش داده‌های ترکیبی برای برآورد هر سه حالت مناسب است.

جدول (۴). نتایج آزمون قابلیت تخمین به صورت داده‌های ترکیبی (آزمون F-Limer)

| Effect Test | الگو ۱ | | الگو ۲ | | الگو ۳ | |
|------------------------|-----------|-------|-----------|-------|-----------|-------|
| | statistic | Prob. | statistic | Prob. | Statistic | Prob. |
| Cross-Section F | ۵/۹۲۱ | ۰/۰۰۰ | ۶/۸۱۸ | ۰/۰۰۰ | ۷/۲۱۲ | ۰/۰۰۰ |
| Cross-Section χ^2 | ۱۳۸/۲۵۲ | ۰/۰۰۰ | ۱۴۲/۱۸۸ | ۰/۰۰۰ | ۱۴۹/۲۱۲ | ۰/۰۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج برآورد هر سه الگو پژوهش با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) در جدول (۵) و نتایج آزمون‌های تشخیصی برآورد الگو در قسمت انتهایی این جدول آمده است. بر اساس نتایج آزمون والد که از توزیع χ^2 با درجات آزادی معادل تعداد متغیرهای توضیحی منهای جزء ثابت برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن همه ضرایب در سطح معناداری یک درصد، رد و در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. به علاوه آزمون استاندارد برای معتبر بودن محدودیت‌های گشتاوری در روش برآورد GMM، آزمون محدودیت‌های بیش از حد مشخص سارگان است و آزمون J-statistic گزارش شده در تخمین GMM، تحت فرض صفر محدودیت‌های گشتاوری، معتبر است. تحت این فرضیه، آماره سارگان، توزیع χ^2 با درجه آزادی k-p دارد که p تعداد پارامترهای تخمین‌زده شده و k رتبه ابزاری است. نتایج آزمون برای هر سه الگو، نشان می‌دهند که ابزارهای به کار گرفته شده از اعتبار لازم برخوردارند؛ چراکه با توجه به مقدار آماره J و سطوح احتمال محاسبه شده، فرضیه صفر مبنی بر عدم همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را نمی‌توان رد کرد؛ (بنابراین می‌توان گفت هیچ‌گونه ارتباطی میان اجزای خطا و ابزارهای به کار گرفته شده وجود ندارد). وجود همبستگی سریالی در تفاضل مرتبه اول خطاها در مراتب بالاتر از یک، مانند AR(2) بر این موضوع دلالت دارد که شرایط گشتاوری به منظور انجام آزمون خودهمبستگی آرانو و باند (۱۹۹۱) معتبر نبوده است. زیرا

روش تفاضل گیری مرتبه اول برای حذف اثرات ثابت در صورتی روش مناسبی است که مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از مرتبه‌ی دو نباشد. به این منظور، باید ضریب خودرگرسیون مرتبه اول AR(1) معنادار باشد و ضریب خودرگرسیونی مرتبه‌ی دوم AR(2) معنادار نباشد (گرین، ۲۰۱۲). بر اساس نتایج پایینی جدول (۵)، فرضیه صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی درجه اول تفاضل مرتبه‌ی اول جملات اختلال را می‌توان، اما فرضیه‌ی صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی سریالی درجه دوم تفاضل جملات اختلال را نمی‌توان رد کرد. بنابراین در الگوهای پژوهش تورش تصریح وجود ندارد و نتایج قابل اطمینان است.

جدول (۵). نتایج تخمین الگو به روش GMM طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۲ (متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی)

| الگو متغیرها | الگو ۱ | | | الگو ۲ | | | الگو ۳ | | |
|--------------------|--------------|---------|---------|--------------|---------|---------|--------------|---------|---------|
| | ضریب | Std.err | t آماره | ضریب | Std.err | t آماره | ضریب | Std.err | t آماره |
| SC(-1) | ۰/۲۲ | ۰/۱۵ | ۱/۴۱ | ۰/۲۵ | ۰/۱۵ | ۱/۶۱ | ۰/۱۰ | ۰/۱۱ | ۰/۸۵ |
| GS1 | -۰/۳۸ | ۰/۱۵ | -۲/۵ | - | - | - | - | - | - |
| GS2 | - | - | - | -۰/۵۵ | ۰/۱۱ | -۴/۹ | - | - | - |
| GS3 | - | - | - | - | - | - | -۰/۴۰ | ۰/۱۴ | -۲/۹ |
| INF | -۰/۱۸ | ۰/۰۵ | -۳/۲ | -۰/۲۱ | ۰/۰۷ | -۲/۹ | -۰/۲۶ | ۰/۰۷ | -۳/۴ |
| Y | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ۲/۲ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ۲/۲ | ۰/۰۰ | ۰/۰۰ | ۲/۵ |
| UP | -۰/۷۸ | ۰/۱۲ | -۶/۴ | -۱/۰۰ | ۰/۱۷ | -۵/۸ | -۰/۸۹ | ۰/۱۴ | -۶/۱ |
| ED | ۲/۰۸ | ۰/۸۸ | ۲/۳۵ | ۱/۹۹ | ۰/۶۹ | ۲/۸۹ | ۲/۳۴ | ۰/۶۷ | ۳/۴۸ |
| آزمون‌های تشخیصی | | | | | | | | | |
| آماره‌والد (Prob) | ۸۸/۵۹ (۰/۰۰) | | | ۱۰/۱۸ (۰/۰۰) | | | ۹۱/۶۵ (۰/۰۰) | | |
| J-statistic (Prob) | ۲۲/۴۵ (۰/۱۹) | | | ۱۹/۳۲ (۰/۲۵) | | | ۱۸/۵۲ (۰/۲۹) | | |
| AR(1) (Prob) | -۲/۴۶ (۰/۰۱) | | | -۳/۷۷ (۰/۰۰) | | | -۴/۱۸ (۰/۰۰) | | |
| AR(2) (Prob) | -۰/۳۵ (۰/۷۳) | | | -۰/۱۳ (۰/۸۹) | | | -۰/۰۳ (۰/۹۶) | | |
| تعداد استان‌ها | ۳۰ | | | ۳۰ | | | ۳۰ | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که نتایج برآوردهای جدول (۵) نشان می‌دهد، اثر اندازه دولت در بخش مصرفی، اندازه دولت در بخش عمرانی و مجموع این دو بخش، بر سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران منفی و معنادار است. ضرایب این متغیرها به ترتیب در الگوی ۱، (۰/۳۹)، در الگوی ۲، (۰/۵۵-) و در الگوی ۳، (۰/۴۱-) به دست آمده است. این بدان معناست که هرچه اندازه دولت در هر سه بخش کوچکتر باشد، سرمایه اجتماعی در استان‌ها بهبود خواهد یافت. با وجود منابع طبیعی سرشار در کشورهای فاقد استحکام نهادی و دارای ساختار رانتی مانند کشور ایران، دولت تنها به یک توزیع کننده رانت حاصل از منابع طبیعی تبدیل می‌شود. در این صورت، دولت به منبعی از منافع تبدیل می‌شود که گروه‌های اجتماعی و شهروندان، در رقابت برای تصاحب سهم بیشتری از منافع می‌کوشند تا به مقامات دولتی نزدیک شوند و همین موضوع، زمینه فساد مقامات و آلودگی نظام اداری دولت را فراهم می‌آورد و نهایتاً، نظام اداری آلوده و فاسد، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی شهروندان به دولت را فراهم می‌آورد و این نیز به کاهش سطح اعتماد عمومی و کاهش سطح سرمایه اجتماعی در جامعه می‌انجامد. به طور کلی هر چه دولت، دولت بزرگتری باشد، یعنی سازمان‌های دولتی بیشتری در جامعه وجود دارند. در این سازمان‌های دولتی، تعداد زیادی کارمندان دولتی وجود دارند که احتمالاً از ارتباطات و همکاری داخلی ضعیف‌تر، ارتباطات کمتر قابل اعتماد و تعهدات کمتر به اهداف سازمان رنج می‌برند (الیور^۱، ۲۰۰۰)؛ که همه این موارد منجر به کاهش سطح سرمایه اجتماعی می‌شود. به علاوه، بزرگ‌بودن دولت، هزینه‌های بیشتری همچون هزینه‌های اداری (آندریوس و بوین^۲، ۲۰۰۹) و صرف زمان بیشتر برای رسیدگی به چالش‌های سازمانی (جانگ^۳، ۲۰۱۳)، ناکارآمدی و فساد، به سازمان و دولت تحمیل می‌کند. شایان ذکر است که

1. Oliver
2. Andrews and Boyne
3. Jung

مطالعات تجربی آندریوس (۲۰۱۶)، موسوی (۱۳۹۵) و کریمی راهجردی و همکاران (۱۳۹۳) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند.

نرخ تورم، از دیگر متغیرهای اثرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی است که ضریب این متغیر در هر سه الگوی برآوردی، منفی و معنادار به دست آمده است. به این معنا که همراه با افزایش نرخ تورم، سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور کاهش می‌یابد که مطابق با مبانی نظری ارائه شده در قسمت‌های قبل است. اثر متغیر درآمد نیز بر سرمایه اجتماعی در هر سه الگو مثبت و معنادار گزارش شده است. این بدان معناست که هرچه سطح درآمد افراد افزایش یابد، سرمایه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. مطالعات تجربی یانسی و چاکران (۲۰۱۷) و فیشر و تورگلر^۱ (۲۰۰۶) نیز به اثر مثبت درآمد بر سرمایه اجتماعی اذعان داشته‌اند.

اثر متغیر میزان شهرنشینی بر سرمایه اجتماعی نیز در هر سه الگوی برآوردی، منفی و معنادار است که نشان می‌دهد افزایش میزان شهرنشینی می‌تواند موجب کاهش سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور شود. ضریب این متغیر در هر سه الگو، در سطح ۱ درصد از لحاظ آماری معنادار است. اثر منفی شهرنشینی بر سرمایه اجتماعی حاکی از رشد و توسعه نامتوازن شهری در استان‌های کشور بوده است؛ به گونه‌ای که همراه با رشد فیزیکی شهرها، مسائل اجتماعی و فرهنگی و همچنین هنجارهای شهرنشینی معطوف به آن رشد نیافته‌اند. در واقع در جریان شهرنشینی به دلیل نهادینه نشدن فرهنگ شهرنشینی و رواج حاشیه‌نشینی، زمینه برای بسیاری از اتفاقات ناسازگار با سرمایه اجتماعی فراهم شده است.

اثر متغیر آموزش بر سرمایه اجتماعی، در هر سه الگو مثبت و معنادار گزارش شده است. این بدان معنی است که هرچه افراد، آموزش بیشتری ببینند، سرمایه اجتماعی بیشتر خواهد شد. آموزش با افزایش توانمندی‌ها و دانش افراد، زمینه مشارکت و تعاملات

1. Fisher and Torgler

اجتماعی و حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. همچنین، با ایجاد و درونی کردن هنجارها، رفتار افراد را قانونمند می‌کند. این امر منجر به افزایش اعتماد اجتماعی و در نتیجه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌گردد. نتایج مطالعه حاضر با مطالعات یانسی و چاکران (۲۰۱۷)، آندریوس (۲۰۱۶)، آیدنی و همکاران^۱ (۲۰۱۶) و مهدوی و عزیزمحمدلو (۱۳۹۷) هم‌خوانی کامل دارد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های ترکیبی استان‌های ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۵، به بررسی تأثیر اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی پرداخته است. به این منظور بر اساس رهیافت پاتنام، سه سطح مشارکت، اعتماد و انسجام در نظر گرفته شده و به‌منظور ترکیب شاخص‌های مورد استفاده در این سطوح، از روش تحلیل عاملی استفاده و سطح سرمایه اجتماعی استان‌ها محاسبه شده است. برای اندازه‌گیری اندازه دولت نیز از سه متغیر سهم مخارج مصرفی از GDP، سهم مخارج عمرانی دولت از GDP و مجموع این دو سهم استفاده شده است. در آخر، اثر اندازه دولت بر سطح سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از سه معادله مجزا و در چارچوب الگوی ترکیبی پویا و با روش GMM مورد برآورد قرار گرفته است.

نتایج نشان می‌دهد که سهم مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت از تولید ناخالص داخلی و مجموع این دو سهم، اثر منفی و معناداری بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران داشته است. بر این اساس می‌توان گفت که افزایش اندازه دولت در سه بخش، مخارج مصرفی، مخارج سرمایه‌گذاری و مجموع این دو سهم، باعث تنزل سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور شده است. بر اساس سایر نتایج، متغیرهای درآمد سرانه و نسبت دانش‌آموزان و دانشجویان به کل جمعیت (شاخص آموزش) اثر مثبت و معنادار و

1. Idenyi et al

متغیرهای نرخ تورم و میزان شهرنشینی، اثر منفی و معنادار بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران داشته‌اند. با توجه به نتایج اصلی این پژوهش مبنی بر اینکه گسترش اندازه دولت، باعث تخریب سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور شده است و از آنجا که اثرگذاری مثبت سرمایه اجتماعی بر فعالیت‌های اقتصادی کاملاً به اثبات رسیده است، می‌توان به این نتیجه رسید که کاهش مداخله دولت در اقتصاد ایران، با تأثیر مثبت بر سرمایه اجتماعی، می‌تواند باعث بهبود عملکرد اقتصاد شود.

بنابراین مهم‌ترین توصیه سیاستی این پژوهش، به‌عنوان یکی از راه‌های تقویت سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور، محدود ساختن فعالیت‌های دولت است. علاوه بر این دولت بایستی بسترهای لازم را برای تحریک و تشویق افراد جامعه به همکاری و اقدام‌های جمعی فراهم آورد. در این راستا دولت می‌تواند از طریق سیاست‌هایی چون تدارک بهداشت و آموزش همگانی، بیمه‌های بیکاری و نظام تامین اجتماعی فراگیر، ظرفیت اعضای جامعه را برای توسعه روابط همیارانه افزایش می‌دهد (بهسازی اجتماعی). همچنین، دولت بایستی با توانمند کردن و بهسازی افراد و به‌ویژه افراد فقیر، معلول و کم‌بینه، انگیزه لازم برای مشارکت در کنش‌های جمعی را فراهم سازد (بهسازی فردی). علاوه بر این، دولت بایستی از طریق تدارک محیط نهادی انعقاد یافته، ورود به تعاملات مبتنی بر همکاری و همیاری را برای اعضای جامعه معنادار سازد. در این میان، تدارک ابزارهای کافی و بهنگام برای تعریف شفاف حقوق مالکیت فردی و نیز تدارک نهادی برای حفاظت جدی از آن، از اهمیت اساسی برخوردار است (بهسازی نهادی).

منابع:

- Anderws, R. (2016). Organizational Size and Social Capital in the Public Sector: Does Decentralization Matter? *Review of public personnel administration*, 27, 1-19.
- Andrews, R. & Boyne, G. A. (2009). Size, Structure and Administrative Overheads: An Empirical Analysis of English Local Authorities. *Urban Studies*, 46, 739-759.

-
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, 58, 277-297.
 - Arellano, M. & Bover, O. (1995). Another Look at the Instrumental Variable Estimation of Error Component Models. *Journal of Econometrics*, 68, 29-51.
 - Baltagi, B. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*, 3rd Edition, McGraw-Hill.
 - Behboodi, D., Asgharpoor, H., Bastan, F. & Seyf, Y. (2013). Impact of Oil Revenues on Social Capital in Iran. *Quarterly Journal of Economic Research*, 13(3), 109-124 (In Persian).
 - Blundell, R. & Bond, S. (1998). Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models. *Journal of Econometrics*, 87, 115-143.
 - Burke, M., Marlow, C. & Lento, T. (2010). Social network activity and social well-being. In Proceedings of the CHI 2010, Atlanta, GA, USA, 10-15.
 - Cusack, T. (1999). Social Capital, Institutional Structures, and Democratic Performance: A Comparative Study of German Local Governments. *European Journal of Political Research*, 35, 1-34.
 - Fischer, J. & Torgler, B. (2006). The Effect of Relative Income Position on Social Capital. *Economics Bulletin*, 26(4), 1-20
 - Fox, J. (1997). The World Bank and Social Capital: Contesting the Concept in Practice. *Journal of International Development*, 9(7), 963-971.
 - Green, W.H. (2012). *Econometric Analysis*. New Jersey, Upper Saddle River: Pearson International.
 - Hashemi, H. & Norouzi, M. R. (2009). The Concept of Social Capital and its Influence in the Government. National Conference articles of the Social Capital and Economic Development, Semnan, 419-434 (In Persian).
 - Idenyi, S., Johnson, N. & Promise, A. (2016). Public Expenditure on Social Capital: Implications for Economic Growth in Nigeria. *Journal of Economics and Sustainable Development*, 7(6), 72-79.
 - Inglehart, R. (1997). *Modernization and Post modernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies*. Princeton: Princeton University Press.
 - Jankauskas, V. & Seputiene, J. (2007). The Relation between Social Capital, Governance and Economic Performance in Europe. *Business, Theory and Practice*, 8(3), 131-138.
 - Jung, C. S. (2013). Navigating a Rough Terrain of Public Management: Examining the Relationship between Organizational Size and Effectiveness. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 23, 663-686.
 - Karimi Rahjerdi, A., Ranani, M., Emadzadeh, M. & Tayebi, K. (2014). Investigating the Relation between Oil Revenues Fluctuations and Government Size on Social Capital in Iran. *Journal of Economics and Modeling*, 5(19-20), 79-109 (In Persian).

-
- Kavoosi, E. (2006). Design and Presentation of Social Capital Measurement Model, Ph.D Thesis in Cultural Management, Islamic Azad University (In Persian).
 - Khezri, E. (2015). Institutional Analysis of Administrative Corruption. *Strategic Studies Quarterly*, 8(29), 513-530 (In Persian).
 - Lopez, O. E. (2003). Social Capital and Government in the Production of Public Goods. UFAE and IAE Working Papers 580.03, Retrieved from <http://hdl.handle.net/10261/1849>
 - Mahdavi, A. & Azizmohamadlu, H. (2018). Analysis of Macro Factors Affecting the Process of Social Capital Accumulation in Iran. *Journal of Majlis & Rahbord*, 25, 5-42 (In Persian).
 - Mehregan, N, Daliri, H. & Shahanavaz, S. (2013). An Assessment of Social Capital Trend in Iran Provinces. *Journal of Economic Research and Policies*, 20(64), 5-24 (In Persian).
 - Miruka C. O. & Omenya A. O. (2009). Social Capital, Public Provisioning and Democratic Governance. *Journal of African Studies*, 6(1). Retrieved from <http://hdl.handle.net/2027/spo.4761563.0006.101>
 - Mousavi, E. (2016). The Impact of Government Size and Instability of Macroeconomics on Social Capital, M.A Thesis in Economics, Tehran University (In Persian).
 - Nademi, Y. & Zobeiri, H. (2017). Government Size and Social Capital in Developing Countries: New Empirical Evidence. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 14(2), 193-213.
 - Oliver, J. E. (2000). City Size and Civic Involvement in Metropolitan America. *American Political Science Review*, 94, 361-374.
 - Panahi, M. H. & Amini, A. (2011). Rentier Government, Governmental Economy, Political Culture and Social Capital in Iran (1989-2005). *Quarterly journal of political and international research*, 7, 59-94 (In Persian).
 - Payne, G. T., Moore, C. B., Griffis, S. E. & Autry, C. W. (2011). Multilevel Challenges and Opportunities in Social Capital Research. *Journal of Management*, 37, 491-520.
 - Pil, F. K. & Leana, C. (2009). Applying Organizational Research to Public School Reform: The Effects of Teacher Human and Social Capital on Student Performance. *Academy of Management Journal*, 52(6), 1101-1124.
 - Ponzetto, G.A. (2014). Social Capital, Government Expenditures, and Growth. University Pompeu Fabra, CEPR Discussion Paper, DP9891, Retrieved from <http://www.econ.upf.edu/docs/papers/downloads/1307.pdf>
 - Putnam, R .D. (1993). *Making Democracy Work*. Princeton: Princeton University Press.
 - Svendsen, L. H. & Svendsen, T. (2000). Measuring Social Capital: The Danish Co-Operative Dairy Movement. *Sociology Ruralis*, 40(1), 72-86.

- Tantardini, M. & Kroll, C. (2015). The Role of Organizational Social Capital in Performance Management. *Journal Public Performance & Management Review*, 39, 83-99.
- Vilhelmsdóttir, S., Ritstjóri, S. & Silja, B. (2012). Three Dimensions of Social Capital and Government Performance, *Rannsóknir í félagsvísindum XIII: Stjórn málafræðideild*, retrieved from.
- Younsi, M. & Chakroun, M. (2017). Does Social Capital Determine Health? Empirical Evidence from MENA Countries. *the Social Science Journal*, 54(1), 238-247.